

نمبره ۱۷ تا ۱۰۸۲۴۴

نسخه خطی

۱۷/۱/۱۰۸۲۴۴

۱۸-۱-۶۵



دانشگاه شهید بهشتی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فرانسه

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد مترجمی زبان فرانسه

نقد ترجمه «گل‌های رنج» اثر شارل بودلر، ترجمه محمد رضا پارسایار

استاد راهنما:

خانم دکتر نسرين خطاط

استاد مشاور:

خانم دکتر مهتاب بلوکی

نگارنده:

راحله انوشا

دی ۸۷

۱۱۵۳۵۰

وزارت اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۱۳۸۸ / ۱۱ / ۲۰

Remerciements

Je voudrais tout d'abord remercier sincèrement mon cher professeur, Madame le Docteur Khattate, qui a accepté de diriger ce travail avec autant de compétence que de patience. Ses précieux conseils ainsi que ses encouragements m'ont permis de mener à terme mon mémoire. Qu'elle veuille bien recevoir toute ma respectueuse reconnaissance.

J'exprime également mes remerciements à Madame le Docteur Bolouki qui a eu la bienveillance d'être mon professeur consultant et qui a bien voulu lire ce mémoire.

Qu'il me soit permis de remercier infiniment tous mes professeurs qui m'ont aidé au cours de mes études.

*"La poésie, par définition est intraduisible.
Seule, est possible la transposition créatrice."*

JAKOBSON

مقدمه

شعر ترجمه ناپذیر است؟

شاید ویژگی متون شعری در این خلاصه می‌شود که نویسنده متن شعری بر خلاف دیگر نویسندگان به قالب متن اهمیت می‌دهد. وی اطلاعات را به صورت مستقیم و شفاف عرضه نمی‌کند. وی روشهای دیگری را خلق می‌کند. هدف نویسنده متون شاعرانه برانگیختن احساسات خواننده است و بدینگونه وی زبانی آراسته با قدرتی الهام بخش خلق می‌کند. متون شعری از ورای زبان، نظام معنایی دیگری را گسترش می‌دهند که در آن نظام معادل‌های جدیدی از عناصر وجود دارند: روابط معمول کلمات بر هم زده می‌شود و نظم متفاوتی به کار گرفته می‌شود. بدین ترتیب رابطه‌ای بین نظام عمومی زبان و چیزیکه تخلف از آن نظام محسوب می‌شود به وجود می‌آید. اما در متن زمینه‌ای خاص به وجود می‌آید که موجب پیدایش مجموعه‌ای مستقل به عنوان نمونه در سطح نمادها می‌گردد که آنجا همه چیز معنادار می‌شود: ترتیب کلمات، قافیه به کار رفته، وزن، بند، انتخاب واژگانی که معنایی تلویحی در بردارند و... تمامی این عوامل از متن شاعرانه متن معنایی بسیار غنی می‌سازد و گاهی این غنی بودن می‌تواند نتایج مبهم و متناقضی به بار

آورد و باعث به وجود آمدن تفسیرهای متفاوتی شود. این مسئله روشن می‌کند که چرا ذهنیت نقش مهمی در خوانش متون شعری دارد.¹

افیم اتکیند در مقدمه کتاب «هنری در بحران: رساله بوطیقای در باب ترجمه شاعرانه»² می‌نویسد اگر از جوانان فرانسوی بپرسید شاعر خارجی مورد علاقه‌اش کدام است: ییتس یا لرمونتوف؟ شیلر یا ریلکه؟ و... فکر می‌کند شما دیوانه شده‌اید. چرا باید این شاعران را دوست داشته باشد؟ احتمالاً بسیاری از این شاعران جالب یا احترام برانگیز هستند اما آیا می‌تواند آنها را دوست بدارد یا اینکه شیفته‌اشان باشد؟ بر طبق نظر نویسنده کتاب شاید دلیل ناآگاهی جوانان فرانسوی با این شاعران عدم آشنایی آنان با زبان‌های خارجی است. بر طبق عادت هم شعر این شاعران به نثر ترجمه می‌شود و اگر به شعر نیز ترجمه شود به صورتی نامنظم و درهم ترجمه شده و بنابراین خواندن آن شعر غیر ممکن می‌شود. وی دلیل اصلی را ترجمه‌های نامناسب اشعار می‌داند.³ جوانان ایرانی ما نیز اگر با نویسندگان بزرگ خارجی آشنا باشند با شاعران زبانهای بیگانه چندان آشنا نیستند، هر چند امروزه و در چند دهه اخیر شعر شاعران خارجی بارها ترجمه شده و ترجمه می‌شود.

ترجمه شعر را عموماً دشوارترین، وقت گیرترین و در مواردی ارزشمندترین قالب ترجمه به شمار آورده‌اند. این کار بخصوص در حوزه ادبی باعث مباحث طولی شده و درباره آن بسی بیش از از ترجمه نثر یا نمایشنامه قلم فرسایی کرده‌اند و بیشتر این مجادلات حول مسئله امکان ترجمه پذیری شعر دور زده است. دیدگاه‌های فراوان و

¹Hurtado Albir Amparo, *La notion de fidélité en traduction*, Paris, édition de Didier Erudition, 2003, p.p.188-189.

²Efim Etkind, *Un art en crise: Essai de poétique de la traduction poétique*, Lausanne, L'Age d'Homme, 1982.

³Ibid, p.4-5.

گوناگونی در مورد ترجمه شعر ابراز شده است. بارها گفته اند شعر ترجمه ناپذیر است یا لااقل شعر والا و خوب ترجمه ناپذیر است و از طرف دیگر ترجمه شعر همیشه وجود داشته و همیشه هم وجود خواهد داشت.

بنابراین ترجمه شعر در وضعیت متناقضی بسر می‌برد؛ از یک طرف غالب افراد اعتقاد دارند که شعر ترجمه ناپذیر است و از طرف دیگر نمی‌توانند از این کار خودداری بکنند. اینکار شاید به دلیل نیاز روحی و درونی افراد برای انتقال و ترجمان شعر به دیگر زبانها می‌باشد.

ارتباط میان نظریه و ترجمه شعر همواره مشکل ساز بوده است در حالیکه در مورد ترجمه نثر نظریه های متفاوت و گوناگونی ابراز شده است اما رهیافتهای درگیر با مسائل ترجمه شعر در دو مقوله بنیادی می‌گنجد: یکی مفید در عمل و دیگری نظری. رهیافت مفید در عمل مطلوب نظر اکثر مترجمان حرفه ای است. حال آنکه پرداختن به الگوهای نظری این فرایند عمدتاً کار زبان‌شناسان است. گرایش مترجمان حرفه‌ای به نوشتن از مشکلات خاصی است که در ترجمه یک شعر بخصوص با آن روبرو می‌شوند، یا از راه‌حلهایی که در توجیه یا پوزش برای ترجمه‌شان می‌یابند و یا از مراحل گوناگونی که در فرایند ترجمه پشت سر گذاشته‌اند صحبت می‌کنند. اما مترجمان به ندرت از فرایند ترجمه یادداشت بر می‌دارند و کمتر از گزینه‌های دلخواهشان گزارش می‌دهند. اگر هم بر فرض هم که یادداشت بردارند باز هم این پرسش به قوت خود باقی می‌ماند که آیا بررسی تجربه شخصی یک مترجم متبحر می‌تواند چنان راهبردهایی بنیادین ایجاد کند که برای سایر مترجمان ارزش عملی داشته باشد. آنچه مترجمان حرفه ای مدام بر آن تاکید می‌کنند و ارزشی برتر از هر رهیافت و روش شناسی برای آن قائل‌اند، همانا لزوم کار مجدد و

مستمر و باز سنجی متن ترجمه شده است تا حتی المقدور در تمام یا بیشتر لایه‌ها با اصل شعر منطبق شود.

با وجود اینکه ممکن است دقت مترجمان ماهر در فرایند ترجمه قابل وثوق نباشد اما دقیقاً موشکافی در همین زمینه ضرورت دارد که در بیشتر الگوها و رهیافت‌های ترجمه شعر از آن غفلت می‌شود. رهیافت دیگری که بیشتر پذیرفته شده، مقایسه یک یا چند ترجمه از یک شعر است که به صورت مفهومی برگردانده شده است که به ناگزیر ارزش داوری ذهنی را در پی دارد. و اما رهیافت نسبتاً مفیدتر مقایسه ترجمه‌های متعدد یک شعر است، البته نه به قصد ارزش‌گذاری بلکه برای بررسی راهبردهای به کار رفته در ترجمه.

همان‌طور که گفته شد ارتباط میان نظریه و عمل در ترجمه شعر همواره مسئله ساز بوده است. بسیار اندکاند نظریه‌هایی که به گشودن گره‌های موجود در کار عمل ترجمه کمک کنند یا همانا برای مترجم چاره ساز باشند. البته شاید این توقع بجا و واقع‌بینانه نباشد که یک الگوی نظری ترجمه شعر باید تمام مشکلات مربوط به مترجم را حل کند، اما چنین الگویی باید شرح قابل دفاعی از مجموعه راهبردهای دست‌یافتنی برای راهیابی به این مشکلات و نیز از رهنمودهای لازم جهت پرداختن به عوامل گوناگون درگیر به دست دهد.^۱

مباحث طولانی بر سر محاسن ترجمه کلمه به کلمه و ترجمه شاعرانه یا آزاد تاریخی طولانی دارد؛ هر یک از گرایش طرفدارانی نیز داشته است.

^۱ دیوید کانولی، «ترجمه شعر»، محمد علی موسوی فریدنی، فصلنامه زنده رود، شماره ۲۶-۲۵، (زمستان ۸۲ و بهار ۸۳) ص ۱۱۶-۱۱۷.

اعتقاد یاکوبسن مبنی بر ترجمه ناپذیری شعر بدین گونه است که شعر بنا بر تعریف، ترجمه ناپذیر است، فقط ترجمه خلاق امکان دارد.^۱

ایویون فوا، رساله نویس، شاعر و مترجم می‌گوید: "شعر به معنای واقعی قابل ترجمه نیست زیرا جوهره شعر همان زبان می‌باشد و این زبان، زبان مترجم نیست. اما ترجمه تجربه ای است که راهکردهای شاعرانه را آشکار می‌سازد و مترجم را وادار می‌کند تا شاعر شود. ترجمه شعر آفرینش گر است حتی اگر این ترجمه موفق نشود چیزی را که در شعر وجود دارد برگرداند اما حداقل می‌تواند الهام شاعرانه را خلق کند."^۲

به رغم تمامی این ادعاها جهان ترجمه شعر را پذیرفته و پیشینه ای دو هزار ساله دارد. در طول این مدت شعر ترجمه شده، اثر گذاشته و اغلب خود به صورت بخشی از معیار زبان مقصد در آمده است مانند رباعیات خیام. بنابراین شعر نه تنها از قرن ها قبل ترجمه شده است بلکه غالب بهترین شعرهای زبان غربی، ترجمه شده و یا در حال ترجمه شدن می‌باشد.^۳

تاریخچه ترجمه شعر در ایران شاید بیش از هزار سال باشد. علی معلم - شاعر و محقق - می‌گوید: «اکثر کارهای منوچهری ترجمه است از آثار عرب، منتها آنقدر خوب کار کرده که شما در پارسی با شعری تاثیر گذار روبه روید.»^۴ با ورود "مدرنیته" به ایران، ترجمه شعر از زبان های اروپایی همه گیر شد؛ زبان های فرانسوی، روسی، آلمانی و انگلیسی در صدرلیست بودند، شعر شاعران فرانسوی همانند مالارمه، سنت جان پرس،

^۱ همان، ص ۱۰.

^۲ www.wikio.fr/culture/litterature/auteur/yves_bonnefoy

^۳ Paul Benison, "préface", revue de Palimpseste, Presse de la Sorbonne Nouvelle, 1990, n2, p.1.

^۴ http://www.persian-language.org/Group/Report_Chap.asp?ID=1476

رمبو و... بارها به فارسی برگردانده شده، بالعکس نیز اشعار شاعرانی چون سپهری، شاملو به زبانهای خارجی ترجمه شده است.

همه پذیرفته‌اند که ترجمه شعر یک مورد خاص است و دشواری‌هایی بسی پیچیده‌تر از نثر در بر دارد. در شعر شکل و محتوا به طرز جدایی ناپذیر در هم تنیده می‌شوند. شعر از یک «وجه موسیقایی» یا ضرباهنگ درونی نیز، صرف نظر از وزن معمولی یا شکل آهنگین آن اثر می‌پذیرد که این جنبه بنیادی‌ترین ویژگی کاری است که مترجم به عهده گرفته است. چیزی که مترجمان شعر اغلب بر آن تاکید می‌کنند یکی نیاز به حس الفت با شاعر است و عشق به اثری که از او ترجمه می‌شود و دیگری لزوم درجاتی ازاله‌ام است. شاید این همان درگیری عاطفی ژرفی است که مترجمان را به مرحله اعتیاد در اقدام به کاری می‌کشاند که برخی آن را «هنر ناممکن» اصطلاح کرده‌اند.

سوال اساسی که در این رساله به آن پرداخته خواهد شد این است که با توجه به پیچیدگی‌های ترجمه شعر، آیا مترجم در ترجمه اثر توانسته اشعار بودلر را بازآفرینی کند. در مورد روشهای به کار رفته در این اثر می‌توان گفت که از نظرات سه تن از نظریه پردازان ترجمه شعر مانند هانری مشونیک^۱ و افیم اتکیند^۲ و پل والر^۳ بهره جسته‌ایم که در فصل اول رساله در مورد آراء آنان توضیح داده می‌شود و به عنوان ابزار نقد و بررسی در این پژوهش استفاده می‌شود که هرگاه در مباحث مختلف لازم آید از این نظریه‌ها یاد می‌شود، لازم به توضیح است که در بخش «ترجمه استعاره و آرایه‌های

^۱Henri Meschonnic

^۲Efim Etkind

^۳Paul valéry (1871-1945)

ادبی» از نظرات لیکاف و جانسون، دو تن از نظریه‌پردازان انگلیسی زبان استفاده شده است.

بودلریکی از شاعران پرآوازه قرن نوزدهم فرانسه است و اثر "*les fleurs du mal*" وی بارها به زبان های مختلفی ترجمه شده است.

این اثر اولین بار توسط انتشارات «کتابخانه گوتمبرگ» در سال ۱۳۳۵ با عنوان «گل‌های رنج» و ترجمه دکتر مرتضی شمس ترجمه شد. در سال ۱۳۴۱ دکتر محمد علی اسلامی-ندوشن این اثر را با عنوان «ملال پاریس و گل‌های بدی» به فارسی برگرداند. مترجم مورد نظر ما در این رساله محمد رضا پارسایان این اثر را به صورت دو زبانه با عنوان «گل‌های رنج» در سال ۱۳۸۴ به فارسی برگردانده است. علاوه بر این قطعات کوتاهی از این اثر بارها به فارسی ترجمه شده است. با توجه به اینکه ترجمه اخیر اشعار بودلر تاکنون مورد نقد و بررسی کاملی قرار نگرفته است، در پژوهش حاضر می‌توان گامی در جهت آشنایی خواننده با این ترجمه برداشت.

فصل اول این رساله به بررسی نظریه‌های معاصر در مورد ترجمه شعر و چگونگی ترجمه‌های اشعار از نقطه‌نظر معنایی می‌پردازد، فصل دوم به بررسی ترجمه اشعار از لحاظ قالب و شکل می‌پردازد.

فصل اوّل

نظریه‌های ترجمه شعر در دوران معاصر:

هر ترجمه شعری نیاز به دقت در تک تک لایه‌ها دارد، همان لایه‌هایی که شعر روی یکایک آنها عمل می‌کند. شعر در لایه معنایی حامل نظر یا پیامی درباره جهان واقعی یا واکنش مصنف نسبت به آن است و اغلب این لایه‌ها همان هسته‌ای تلقی شده که در ترجمه باید باز تولید شود. اما پیام شعر آنقدر که ضمنی و تلویحی است آشکار و صریح نیست و از این رو به خوانش‌های گوناگون و تعبیرهای چندگانه سرباز می‌کند. در این قسمت آراء سه تن از نظریه پردازان ترجمه شعر افیم اتکیند و پل والرئ و هانری مشونیک می‌باشد.

اتکیند در کتاب خود درباره ترجمه شاعرانه از امکان ترجمه شاعرانه دفاع می‌کند و این نوع ترجمه را بازآفرینی^۱ می‌نامد. در این نوع ترجمه شکل شعر باید حفظ شود و قوانین مربوط به آن همانقدر که توسط متن مبدا تعیین گشته‌اند، همانقدر نیز می‌باید توسط هنجارهای زیباشناسانه ادبیات مقصد تعیین شده باشند. در اکثر ترجمه‌های شعر به زبان فرانسه به شکل اثر اهمیت داده نمی‌شود در صورتیکه شکل همان محتواست.

وی عقیده دارد ترجمه‌های منثور وفادار نیستند زیرا فقط اطلاعات ارائه می‌دهند و پاسخگوی هیچ یک از اصول هنری نیستند.

اتکیند در پیشگفتار کتاب می‌گوید: « شعر ارگانی است که هر یک از عناصرش دارای اهمیت حیاتی هستند: ریتم، قافیه، بند، ترکیب نحوی، ترکیب آوایی و موسیقایی با همدیگر

¹Recréation

هستند و وارد ارگان می‌شوند.¹ شعر به طور همزمان تنوعی از ضرورتها را عرضه می‌کند که حقیقتاً نظامی از کشمکشها را تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب مشکل اساسی ترجمه شاعرانه به وجود می‌آید زیرا می‌باید به تمامی این ضرورتها پاسخ داد. نزاع اساسی، نزاعی بین نحو و وزن، وزن و ریتم، آوا و معنا، کلمه به عنوان واحد اساسی زبان و کلمه-ای که در شعر گنجانده شده، بین سنت شعری و ابتکار نویسنده است. اتکیند می‌افزاید لازم است دربارۀ از بین رفتن ویژگی کارکردی در خلال ترجمه اشاره کرد که متاسفانه در ترجمه شعر به وفور دیده می‌شود که مصرانه متن ترجمه شده را از کارکرد اصلی متن بی‌بهره می‌سازد. ترجمه واقعی شعر ترجمه بازآفریننده یا خلاق می‌باشد؛ همان ترجمه‌ای که کل شعر را در حالیکه ساختار شعر اصلی را حفظ کرده بازآفرینی می‌کند.

ترجمه خلاق فقط به صورت شعر امکانپذیر می‌باشد: شعر باید به صورت شعر ترجمه شود. اما با دفاع از ترجمه شعر به شعر یا مشکلی اساسی روبرو می‌شویم: مسئله رابطه بین وزن و قالبهای دو ادبیات مختلف. این رابطه‌ها مشکل ساز هستند زیرا هر نظام عروضی دارای وزن منحصر به خود و ادبیات هر کشوری صاحب سنتهای خاص خود در رابطه با کلمات و قالبها هستند. ترجمه بازآفریننده ترجمه‌ای مناسب برای ترجمه اشعار می‌باشد. شعر همانند یک کل است که در آن پارامترهای مختلفی دخیل هستند. آنچه مهم است معنای درک شده و تاثیر شعر بر گیرنده می‌باشد. اتکیند معتقد است که استعداد آفرینندگی، الهام، استعداد طبیعی، ذوق و قریحه نوشتن مشخصه‌های خاص نویسندگان متون شعری هستند. مترجم شعر نیز اگر می‌خواهد به نتایج مشابه متن اصلی

¹EffimEtkind, op.cit ,p.6.

برسد باید دارای این صفات باشد.^۱ اتکیند شش نوع ترجمه شاعرانه را از هم باز می-شناسد: ترجمه اطلاع دهنده^۲، ترجمه تفسیری^۳، ترجمه اشاره‌ای^۴، ترجمه تقریبی^۵، ترجمه خلاق یا بازآفریننده^۶ و ترجمه تقلیدی^۷.

بنا بر نظر وی ترجمه اطلاع دهنده ترجمه‌ایست که مفهوم کلی متن را به صورت نثر ارائه می‌دهد و دارای هیچگونه ادعای هنری نیست و به هیچوجه معادل شعر اصلی نیست. ترجمه تفسیری ترجمه را با شرح و تفسیر و تحلیل ترکیب می‌کند و به مطالعات تاریخی و زیباشناسانه کمک می‌کند. ترجمه اشاره‌ای دارای چندین معیار زیباشناسانه می‌باشد؛ مثلاً^۴ یا ۸ بیت اول ترجمه قافیه دار هستند اما معیار زیباشناسانه‌ای که برای کل شعر تعریف شود وجود ندارد. هدف مترجم فقط تحریک کردن قوه تخیل خواننده است که می-باید خود بعداً طرح اولیه شعر را به پایان برساند. ترجمه تقریبی ترجمه‌ای است که فقط چندین جنبه از شعر اصلی را در بردارد نه تمام جوانب آن را؛ به طور نمونه دارای قافیه اما بدون وزن است. دارای ریتم اما بی‌قافیه است. بی‌وزن و بدون قافیه است و... بنا بر نظر اتکیند این نوع ترجمه زمانی انجام می‌شود که مترجم قبل از آغاز به کار ترجمه متقاعد شده که قادر به ترجمه کردن نیست. بر طبق معمول، مترجم در مقدمه کتاب از خواننده عذر خواهی کرده و از اینکه محدودیت کارش را مشخص کرده راضی می‌شود. ترجمه تقلیدی اغلب زمانی ظاهر می‌شود که مترجم شاعر است و در جستجوی خلق شعر اصلی نیست بلکه به این طریق می‌خواهد احساسات خود را بیان کند. در نظر او این

^۱Effim Etkind, op. cit, p. 275.

^۲Traduction- Information

^۳Traduction- Interprétation

^۴Traduction- Allusion

^۵Traduction- Approximation

^۶Traduction- Recréation

^۷Traduction- Imitation

ترجمه‌ها، ترجمه‌های واقعی شاعرانه نیستند زیرا ترجمه واقعی شعر همان ترجمه بازآفریننده می‌باشد؛ همان ترجمه‌ای که کل شعر را حفظ می‌کند بنابر گفته وی ترجمه بازآفریننده بدون فداکاری، بدون تغییر شکل، بدون اضافات ممکن نیست. اما تمامی هنر مترجم باید در این باشد تا بیش از حد لازم فداکاری انجام ندهد.^۱

هانری مشونیک در کتاب خود با عنوان '*poétique du traduire*' معتقد است که ترجمه فعالیت زبانی است و تمامی فعالیت‌های زبانی مستلزم اصول اخلاقی می‌باشند. بدین ترتیب چگونگی ترجمه دارای اندیشه‌ای منطقه‌ای و مستقل نیست، بلکه برعکس چگونگی ترجمه نشانگر این است که هر ترجمه‌ای دارای تئوری زبانی منحصر به خود است و اینکه زبان مستلزم پیوستگی و تاثیر متقابل با هنر، اخلاق و سیاست می‌باشد.

بر طبق نظر وی، ترجمه شعر در عموماً کار شاعران است و به این دلیل است که شاعر و شاعر- مترجمان رابطه‌ای مشترک با زبان دارند. چندین گرایش مختلف در مترجمان وجود دارد و بیشتر در شعر نمایانتر می‌شود و این گرایش در نظر دارد تا شعر را تصرف کند.

یکی از گرایش‌های منحرف کننده در ترجمه شاعرانه انتزاعی کردن^۲ نه در معنای عقلانی کردن^۳ می‌باشد بلکه در معنای زیبا کردن^۴ است. این زیبا کردن متن در ترجمه به بعد فراغناپی ختم می‌شود. در نظر وی، وجود تئوری ترجمه شاعرانه لازم می‌باشد و باید در تئوری ارزش و معنای متون گنجانده شود. وی همزمان بر جنبه شعری و جنبه اجتماعی

^۱Effim Etkind, op. cit, p.18-23

^۲abstraction

^۳rationalisation

^۴Ennoblement

ترجمه تاکید می‌کند، بنابراین باید ترجمه را در حالت کلی و در حالت منحصر به خود در نظر گرفت، نه مانند محصولی ثانوی. ترجمه باید ارزشی به اندازه متن اصلی داشته باشد. مترجم نباید خود را پشت اثر مخفی کند و می‌باید نقشی آفریننده داشته باشد. وی در مورد ترجمه شعر معتقد است که شعر باید به شعر ترجمه شود وگرنه ترجمه بدتر می‌شود و یا اینکه ترجمه «ضد نوشتار» می‌شود و به خاطر این مسئله بیشتر آثار بزرگ جهانی به معنای واقعی به زبان فرانسه ترجمه نشده‌اند. در نتیجه ما این آثار را به صورت مبهم، ناقص و تحریف شده می‌شناسیم و فقط اطلاعاتی در مورد محتوا می‌دانیم. این مطلب شامل ترجمه انجیل به زبان فرانسه است در حالیکه آلمانیها ترجمه موفق لوتر^۱ و انگلیسیها ترجمه کینگ جیمز را دارا هستند.

پل والرئ، شاعر و نویسنده یکی از آثار مهم ویرژیل^۲ را به شعر ترجمه کرده است. وی همانند اتکیند بیانیه‌ای درباره ترجمه آفرینشگر نوشته است و اتکیند نظریات او را در کتاب خود نقل کرده است: در نظر وی شعر همزمان مجموعه‌ای از سیلابها و ترکیبی از واژگان است. والرئ با ایجاز و دقت قابل توجهی تعریفی از هنر شاعرانه ارائه می‌دهد و زمانیکه صحبت از ترجمه شعر باشد به هیچ‌وجه نظریات خود را تنزل یا تغییر نمی‌دهد. وی کاملاً مخالف ترجمه شعر به نثر است: شعرهایی که به نثر ترجمه شده‌اند دیگر وجود ندارند. شعر در معنای امروزی باید پیوندی پایدار میان آوا و معنا را خلق کند که کلمه به کلمه در حافظه ما پیوند خورده‌اند هر چند که هیچگونه رابطه عقلی بین این دو سازنده زبان وجود ندارد. شعر ترجمه شده باید دو نظام مستقلی را که هر یک دارای قوانین

^۱Luther

^۲Virgile

خاص خود هستند را دوباره جمع و احیا کند. اما زبانها با یکدیگر تفاوت دارند و گاهی کاملاً در تضاد با یکدیگر هستند. شاعر یا مترجم ممکن است در زمانهای مختلفی زیسته باشند و به فرهنگهای تاریخی و ملی کاملاً متفاوتی تعلق داشته باشند. بدین گونه آیا ترجمه به دلایل خارجی و خصوصاً به دلایل شخصی غیر ممکن می‌شود؟ والری مخالف این نظریه است. در نظر وی هر انسان دارای زبانهای متفاوتی است: زبانی برای ارتباط با خویش، با هم‌نوعان، زبانی برای سخنرانی، عشق، خشم، دعا، شعر و نثر. خود سرودن شعر عملی شبیه به ترجمه به زبانی دیگر است: «شاعر نوعی خاص از مترجم است که گفتار معمولی را ترجمه و به وسیله احساسش به «زبان خدایان» تغییر می‌دهد»^۱. کار شاعر جستجوی واژگان برای عقایدش نیست بلکه جستجوی عقاید برای واژگان و ریتم غالب وی می‌باشد. اگر ترجمه اصلی ممکن است پس ترجمه دوم نیز ممکن می‌شود. به بیان دیگر اگر ترجمه شفاهی و کلامی ممکن است بنابراین بازآفرینی نیز ممکن می‌شود. سختی ترجمه اول در عینیت بخشیدن به اصل معنوی در جوهر کلام است، سختی ترجمه دوم مثلاً برای بیان همان مطلب، پیدا کردن معادل تازه‌ای از کلمات می‌باشد. مترجم باید چه راهی را در پیش گیرد تا اثر هنری را ترجمه کند؟ قبل از هر چیز باید به دنیای معنوی شاعر راه پیدا کرد، باید به درون شاعر رسوخ کرد، باید دانست شاعر چه زمانی شعر را سروده، در پیری یا جوانی؟ باید حالت‌های روحی و روانی شاعر را شناخت. باید شعر را از نظر شاعر مورد نظر گذرانند. این کار مستلزم تخیلی محض است.

مترجم که خود را با شاعر یکسان می‌بیند نه تنها احساس سردرگمی به او دست می‌دهد بلکه همزمان به طور ناگهانی احساس آزادی می‌کند. این آزادی آفریننده که شاعر از آن

^۱ نقل از اتکیندر «بحران يك هنر»، ص ۲۲۵.

بهره برده است. ولی در عین حال باید شکل و محتوا اهمیت زیادی داده شود. باید به تعداد مصرع‌ها و نظم کلی شعر احترام گذاشت. زیرا متن یک کل را تشکیل می‌دهد. عملکرد شعر فقط در جنبه‌های محتوای معنایی و فرم زیباشناسی نیست. اغلب مقصود از آن انگیزتن احساس و ایجاد اثر عاطفی است. منظور کردن این بعد عملی شعر در ترجمه شاید دشوارترین کار ترجمه باشد. اگر در تعریف معادل معنایی و صوری ترجمه شعر اختلاف است، تعریف معادل عملی (پویا) در ترجمه از آن هم دشوارتر است. با این وصف همه معتقداند که مترجم باید بکوشد به «تاثیر همترازی» دست یابد و دیگر آن که ترجمه بهتر نزدیک تر شدن به ایجاد همان احساس در مخاطبان خود است که متن اصلی در معاصران خود پدید می‌آورد.

الف - زبان شعر (Langage de la poésie)

شعر شیوه گفتاری است که در آن شاعر، با استفاده از ظرایف و انعطاف پذیری واژه‌ها، تلاش می‌کند تا فحوای اندیشه را به زیباترین نحو ممکن ادا کند. در هر زبانی، بین متون نظم و متون نثر تفاوت‌هایی بنیادین به چشم می‌خورد و شاید یکی از اساسی‌ترین تفاوتها بین این دو شیوه بیان گذشته از رعایت ضرباهنگی منظوم، در این نکته باشد که متون منظوم از ابتدا تا انتها از روندی خاص در شیوه بیان سود می‌جوید. حال آنکه در نثر، به ویژه نثر داستانی، چنین نیست و وجود شخصیت‌های مختلف باعث می‌شود تا سخنگوهای مختلف با شیوه بیان متفاوت اقدام به سخن گفتن کنند و همین نکته باعث می‌شود تا آنچه را "شعریت" یا *poéticité* می‌نامیم پدیدار گردد.¹ در این مبحث به این نکته پرداخته می‌شود که آیا ترجمه شعر همانند خود شعر از ابتدا تا انتها از روندی خاص پیروی می‌کند یا نه؟ مترجم با چه شیوه‌هایی به متن جنبه شاعرانه داده است؟ در این مبحث ترجمه اشعار بودلر از دو جهت لغوی و نحوی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

¹ کتابیون شهپرراد و آذین حسین زاده، مقابله و بررسی آثار ترجمه شده، تهران، سمت، ۱۳۸۴، ص ۱۴۸-۱۴۹.